



چه کسی از دولت مقتدر می‌ترسد؟

مهدی حسن‌زاده

شاخصه‌های دولت اسلامی، اقتدار و کارآمدی است. دولتی مقتدر و کارآمد است که براساس اهداف خاصی طرح‌ریزی شده باشد و هرچه بهتر بتواند به آن اهداف دست یافته و آن را محقق سازد. البته در نظام اسلامی تحقق اهداف و کارآمدی باید در راستای خواست‌ها و ارزش‌های اسلامی باشد؛ «کارآمدی هم باید در جهت تحقق خواست‌ها و اهداف اسلامی باشد؛ در جهت پیاده شدن و عینی شدن ارزش‌ها در جامعه باشد.» (بیانات، ۱۳۸۳/۸/۶)

یکی از مراحل تحقق اهداف نظام اسلامی و رسیدن به تمدن نوین اسلامی که رهبر معظم انقلاب (دام‌عزه) سال‌ها پیش بر آن تاکید کرده‌اند، تشکیل دولت اسلامی است. دولت اسلامی به معنای اسلامی شدن روش و منش دولتمردان، طراحی سازوکارها و نهادهای دولت و نظام بر اساس مبانی و معارف اسلام است که نتیجه‌ی آن حاکمیت ارزش‌ها، اصول، مبانی، احکام و همچنین قوانین و مقررات اسلام در جامعه‌ی اسلامی است. از مهم‌ترین



دولت مقتدر و کارآمد دولتی است که به ارزش‌های اسلامی پایبند باشد و عموم مردم را نیز در این امر با خود همراه کند، عزت‌مند باشد و به دشمن اعتماد نکند، دولتی که با روحیه‌ی جهادی مشکلات را مدیریت و برطرف نماید، پرکار، پرتلاش و به دنبال ایجاد تحول در جامعه باشد. از کلیدواژه‌های اصلی دولت کارآمد، شایسته‌سالاری است که برای اداره‌ی امور خود از نیروهایی بهره می‌برد که از تعهد و تخصص کافی برخوردار باشند. عدم توجه به این مسئله و گزینش مدیران و مسئولان بر اساس ملاحظات سیاسی یا جناحی، دولت را با بحران ناکارآمدی مواجه خواهد ساخت. مردمی بودن، قانون‌مداری، فسادستیزی از دیگر ویژگی‌های دولت مقتدر و کارآمد است.

به وضوح پیداست که امروزه برطرف ساختن مشکلات کشور و حل چالش‌های موجود آن، جز با «تشکیل یک دولت مقتدر و کارآمد» ممکن نیست، حجم مسایل و معضلات موجود کشور به گونه‌ای است که با رویکرد و عزم عادی و در قالب سازوکارها و روندهای بروکراتیک موجود نمی‌توان از عهده‌ی حل و رفع آن‌ها برآمد. از این‌رو؛ ایجاد دولتی مقتدر و کارآمد ضروری است. هم‌چنین پیچیدگی اوضاع بین‌المللی و نیز قدرت‌یافتن جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان، ایجاب می‌کند که دولتی مقتدر و کارآمد، اداره‌ی امور کشور را برعهده گیرد که نتایج آن در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی دیده خواهد شد. در ادامه بیشتر این مسئله را توضیح خواهیم داد.

حال سؤال این است که چرا غرب و آمریکایی‌ها از روی کار آمدن یک دولت مقتدر و کارآمد در ایران هراس دارند؟ هم‌چنین چرا برخی از اصلاح‌طلبان نمی‌خواهند دولتی انقلابی و کارآمد اداره‌ی امور را در دست گیرد و به‌گونه‌ای از تشکیل دولت مقتدر و کارآمد در هراس هستند؟ در ادامه به علل و دلایلی که نشان می‌دهد چرا غرب و اصلاح‌طلبان داخل کشور از تشکیل دولت مقتدر جلوگیری می‌کنند، خواهیم پرداخت.

اول قدرت یافتن جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین‌المللی در این سال‌های اخیر و نیز رشادتها و پیشروی‌های جبهه‌ی مقاومت باعث خنثی نمودن اهداف استکبار جهانی به رهبری ایالات متحده‌ی آمریکا شده است و روی کار آمدن دولتی مقتدر و کارآمد ناتوانی آمریکا را در برابر جمهوری اسلامی ایران دوچندان خواهد کرد. حل نمودن مسئله‌ی داعش در منطقه‌ی غرب آسیا، شکل‌گیری و ساماندهی نیروهای مقاومت در عراق و سوریه و دیگر کشورها که در بسیاری از میدان‌ها جبهه‌ی استکبار را به زانو در آورده است و نیز مقاومت افتخارآمیز مردم یمن در برابر ائتلاف سعودی - آمریکایی باعث شده است که ایالات متحده‌ی آمریکا به شدت از تشکیل دولت انقلابی و کارآمد در ایران هراسان باشد؛ زیرا می‌داند که تشکیل دولت انقلابی و کارآمد در ایران چه نتایجی را در منطقه و جهان برای آن‌ها خواهد داشت. یکی از نتایج دولت مقتدر این است که تلاش خود را خواهد کرد به هر صورت که امکان دارد بتواند نیروهای آمریکایی را از این منطقه بیرون کند، در صورتی که آمریکا منافع ظالمانه‌ی بسیاری از این منطقه به دست می‌آورد و اخراج او شکست بزرگی را برایش به همراه خواهد داشت. از این‌رو؛ تلاش خود را خواهد کرد که چنین دولتی در ایران تشکیل نشود. با روی کار آمدن دولت جدید (بایدن) در آمریکا، امکان دارد که این کشور در ظاهر به توافق برجام برگردد و با همکاری سه کشور متحد اروپایی

خود، برخی امتیازات ظاهری و کم اهمیت به ایران بدهد تا بلکه بتواند با تأثیرگذاری بر افکار عمومی در ایران، زمینه‌ی تقویت پایگاه ضعیف سیاسی و اجتماعی دولت و اصلاح‌طلبان را فراهم آورد تا بلکه در ایران دولتی؛ مانند دولت یازدهم و دوازدهم انتخاب شود؛ اما بر طبق تجارب گذشته می‌توان یقین داشت که آمریکا و سه کشور اروپایی براساس راهبرد بلندمدت خود، اقدام مهم و پایداری در رفع تحریم‌ها انجام نخواهد داد، بلکه بنا به اظهارات مقامات آمریکایی، این مذاکرات جدید را به عنوان مقدمه برای مذاکرات در رابطه با مسایل دیگر همچون موشکی و منطقه‌ای مطرح می‌کنند.

دوم تشکیل دولت مقتدر و کارآمد موجب تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش و بیداری‌های اسلامی در سطح جهان خواهد شد و آمریکا از این مسئله هراس دارد. دولت کارآمد در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند الگویی باشد برای کشورهایی که از ظلم استکبار بی‌نیصیب نبوده‌اند و با مشاهده‌ی دولتی مقتدر و عزتمند که از ایستادگی در برابر غرب و آمریکا شکل گرفته است و به راه خود با قدرت ادامه می‌دهد، به این باور خواهند رسید که می‌توان در برابر قدرت‌های ظالم مقاومت کرد و خود را از زیر بار زورگویی‌ها خلاصی داد. بدین منظور، آمریکا از تشکیل چنین دولتی در ایران وحشت دارد و تمام تلاش خود را در جهت ممانعت از آن به کار خواهد گرفت.

سوم از لحاظ سیاست داخلی نیز آمریکا می‌داند که با تشکیل دولت مقتدر در ایران، ظرفیت‌های اقتصادی علی‌الخصوص در حوزه‌های صنعت، تجارت و زیرساخت‌های مهم کشور فعال خواهد شد و در نتیجه خنثی نمودن تحریم‌ها و نیز دور زدن آن‌ها از سوی دولت کارآمد را به دنبال خواهد داشت. رویکرد دولت کارآمد و مقتدر در فعال کردن ظرفیت‌های داخلی و حمایت ویژه از تولید ملی و نیز توافقنامه‌های مهم در حوزه‌های مختلف با کشورهایی؛ مانند چین و روسیه نقش اساسی در مقابله‌ی با تحریم‌های ظالمانه‌ی آمریکا خواهد داشت. در صورتی که این توافقات در نهایت به عقد قراردادهای مهم در زمینه‌های مختلف منجر شود، می‌تواند نقطه‌ی عطف مهمی در آینده‌ی سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و حتی نظام بین‌المللی داشته باشد که دولتی مقتدر این امر را میسر می‌سازد. امپریالیسم غربی و به‌ویژه آمریکا به شدت از به‌وجود آمدن چنین شرایطی هراسانند. از این‌رو؛ تشکیل دولت مقتدر و کارآمد را در ایران بر نمی‌تابند.

چهارم یکی از مهم‌ترین مسایلی که جمهوری اسلامی ایران در این سال‌های اخیر با آن مواجه بوده است، برخلاف آن‌چه دولت مستقر ادعای آن را داشته است، نیاز کشور به امید و آرامش است. ناکارآمدی‌های دولت دکنتر روحانی در سال‌های گذشته برخی از مردم را دچار ناامیدی و زندگی آن‌ها را دچار مشکلات و ناآرامی‌های بسیاری کرده است، به‌گونه‌ای که این اتفاقات دامن نظام جمهوری اسلامی را نیز خواهد گرفت. تشکیل دولتی انقلابی و مقتدر و کارآمد، به کشور امید و آرامش می‌بخشد و اهدافی که دشمنان نظام اعم از داخلی و خارجی درصدد آن هستند؛ از ایجاد نارضایتی در میان مردم گرفته است تا به‌وجود آوردن اغتشاشات و در نهایت تصور براندازی نظام را بی‌اثر خواهد کرد. آمریکا و اروپا به دنبال این هستند که دوباره دولتی در ایران شکل بگیرد که نسبت به غرب امیدوار باشد و از این طریق بتوانند؛ مانند گذشته توافقات یک‌طرفه‌ای را در عرصه‌های مهم

این کشور در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشد. این نسخه‌ی غلطی است که برخی از اصلاح‌طلبان برای کشور می‌پیچند و تصور باطلی است که در رابطه با آینده‌ی جمهوری اسلامی دارند. گویا به دنبال این هستند ایران را به کشوری که زیر سلطه‌ی آمریکا باشد، تبدیل کنند. کشوری که حقیر و وابسته‌ی دیگران است، سلطه‌پذیر در مقابل سلطه‌گران و سرافکنده در برابر مستکبران جهان امروز باشد. بدین منظور؛ این جریان نمی‌خواهد دولتی اداره‌ی امور این کشور را در دست گیرد که مدیریتی جهادگرانه و انقلابی داشته باشد، در برابر غرب ایستادگی و به نیروها و توان داخلی کشور اعتماد کند و در پی اجرا و پیاده‌سازی مبانی دین مبین اسلام و احکام آن در کشور باشد...

مهم‌ترین دلیلی هم که می‌توانیم برای این مسئله ذکر کنیم این است که با روی کار آمدن دولت مقتدر و کارآمد، تمام اشتباهات و سیاست‌های غلط این جریان در طول این سال‌هایی که مناصب مدیریتی کشور را در دست داشتند، نمایان می‌شود. مدیریت این جریان نه تنها مشکلات این کشور را کمتر نکرده است بلکه خیل عظیمی از مشکلات را نیز برای کشور به وجود آورده‌اند. خلف وعده‌های متعدد، اشرافی‌گری، انفعال در برابر دشمن و گستاخی بیشتر دشمن، فاصله‌های طبقاتی، فتنه‌انگیزی برخی از ثمراتی است که اصلاح‌طلبان و پیروان آن‌ها پس از سال‌ها مدیریت برای کشور به ارمغان آورده‌اند. اصلاح‌طلبانی که نمی‌توانند شکست خود را در انتخابات ۱۳۸۸ بپذیرند و دست به اقداماتی زدند که هیچ‌گاه از یادها نخواهد رفت. از نسبت‌های کذب و ناروا به جمهوری اسلامی و متهم کردن آن به تقلب در انتخابات گرفته است تا حمایت از اغتشاشات و شورش‌های خیابانی بر علیه نظام اسلامی و همراه شدن با دشمنانی که در صدد نابودی جمهوری اسلامی هستند.

البته این نکته را نیز باید متذکر شویم که دولت مقتدر و کارآمد مساوی با دولت اصول‌گرایی و یا هر حزب و جناح خاصی نیست؛ به عبارت دیگر به دنبال این نیستیم که ثابت نماییم دولت مقتدر و انقلابی لزوماً دولتی است که برآمده‌ی از جریان اصول‌گرایی یا جریان خاصی در کشور باشد، بلکه هر کسی که معیارهای دولت کارآمد و مقتدر را داشته باشد، مدنظر است که مقام معظم رهبری (دام‌عزه) نیز در بیانات ابتدای سال ۱۴۰۰ خود به این مسئله در باب ویژگی‌های دولت انقلابی و مقتدر پرداخته‌اند. دولت مقتدر و کارآمد که به ذکر برخی از ویژگی‌های آن در ابتدای این مقاله به آن اشاره کردیم، دولتی است که برخی از تشکیل شدن آن در هراس هستند. بدیهی است چنین دولت کارآمدی، اقتدار او به قدرت نظامی نیست بلکه دولتی است که بر مبنای مبانی اسلامی، برنامه داشته،

و استراتژیک بر ایران تحمیل نمایند. واضح است که با تشکیل دولت انقلابی و مقتدر به این هدف نخواهند رسید، لذا در این ماه‌های آخر منتهی به انتخابات در ایران تلاش خود را می‌کنند تا بلکه بتوانند بر نتیجه‌ی انتخابات ریاست جمهوری در ایران تاثیرگذار باشند. ممکن است طرف‌های غربی برجام، گشایش‌هایی را در برجام ایجاد کنند تا به نوعی دولت مستقر را با دستاورد معرفی نمایند که این مسئله با ناکارآمدی‌هایی که دولت فعلی از خود نشان داده است، بعید به نظر می‌رسد.

رویکرد اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰

اصلاح‌طلبان در سال‌های پس از انقلاب اسلامی نشان داده‌اند که توانایی اداره‌ی امور کشور را ندارند و دچار نوعی فقدان نظریه‌پردازی در این زمینه شده‌اند. نحوه‌ی رویکرد این جریان و نیز مدیریت ایشان با ملاک‌هایی؛ همچون مقاومت، استکبارستیزی، دین‌محوری و... در عرصه‌های مختلف ناسازگار است؛ هم‌چنان‌که در سال‌هایی که جریان اصلاح‌طلبی مدیریت کشور را برعهده داشتند این امر به وضوح نمایان بوده است. توجه به غرب و اعتماد به آن، امید داشتن به تعامل با آمریکا و سعی در حل نمودن مشکلات کشور از طریق رابطه‌ی با کشورهای غربی و نیز تاکید بیشتر بر جمهوریت در کنار اسلامیت در سیاست‌ها نمونه‌های بارزی از تزاماتی که اصلاح‌طلبان در اداره‌ی کشور با آن مواجه هستند، است. به طور کلی جمهوری اسلامی ایران کشوری است که بر اساس مردم‌سالاری دینی بنا شده است؛ هم‌چنان‌که رهبران این نظام بارها بر آن تاکید داشته‌اند. اسلامیت و جمهوریت دو رکن اصلی و تأمین این کشور هستند و هر دولتی در جمهوری اسلامی باید سیاست‌های خود را بر اساس این دو رکن اساسی تنظیم نمایند. دولتی که بخواهد به یک جنبه‌ی جمهوری اسلامی بپردازد، موفقیتی به دست نخواهد آورد. اعتقاد نداشتن به تاثیر دین اسلام در اداره‌ی سیاست داخلی و خارجی در جمهوری اسلامی نه تنها دولت را در رفع مشکلات کشور کمک نخواهد کرد، بلکه مقبولیت خود نزد مردم را نیز از دست خواهد داد. اسلام، جزء فرهنگ نهادینه شده و ناگسستنی مردم ایران است. دولت کارآمد و انقلابی دولتی است که هم به اسلامیت نظام توجه دارد و هم جمهوریت را مدنظر قرار می‌دهد.

اداره‌ی کشور بر مبنای نظام لیبرالیستی، در کشورهایی که ادعای دموکراسی دارند، به دلیل اشکالات و تعارضاتی که در مکتب لیبرالیسم وجود دارد، دچار چالش‌هایی است که خود بر آن‌ها معترف هستند، حال چگونه چنین نظامی که با رویکرد و مبانی لایبیک و مادی در کشوری که مبنایش اسلام و نظامی توحیدی است و به دنبال اجرای فرامین الهی است، می‌تواند پاسخگوی مسایل مختلف



از کلیه‌ی دولت اصلی دولت کارآمد، شایسته‌سالاری است که برای اداره‌ی امور خود از نیروهایی بهره‌ی می‌برد که از تعهد و تخصص کافی برخوردار باشند. عدم توجه به این مسئله و گزینش مدیران و مسئولان بر اساس ملاحظات سیاسی یا جناحی، دولت را با بحران ناکارآمدی مواجه خواهد ساخت. مردمی بودن، قانون‌مداری، فسادستیزی از دیگر ویژگی‌های دولت مقتدر و کارآمد است.



تشکیل دولتی انقلابی و مقتدر و کارآمد، به کشور امید و آرامش می‌بخشد و اهدافی که دشمنان نظام اعم از داخلی و خارجی درصدد آن هستند؛ از ایجاد نارضایتی در میان مردم گرفته است تا به‌وجود آوردن اغتشاشات و در نهایت تصور براندازی نظام را بی‌اثر خواهد کرد.

توانایی اداره‌ی امور و رفع مشکلات را داشته، با انگیزه و مردمی و نیز دولتی با ایمان و انقلابی باشد. اگر دولتی چنین ویژگی‌هایی را دارا باشد، می‌توانیم آن را دولت مقتدر و کارآمد بخوانیم.

ایدئولوژی و دولت مقتدر

از مهم‌ترین شاخصه‌های دولت مقتدر و کارآمد، داشتن ایدئولوژی است. ایدئولوژی به دولت‌ها تحرک می‌بخشد. در تبیین این قضیه می‌توانیم این چنین توضیح دهیم که برخی از ایدئولوژی‌ها توانایی حرکت و ایجاد تحول در امور کشور را دارند؛ اما برخی ایدئولوژی‌های دیگر فاقد این توانایی هستند. دولت کارآمد و مقتدر دولتی است که از نوعی پشتوانه‌ی فکری و مبانی نظری برخوردار است که توانایی ایجاد تحولات و تحرکات عظیم را دارد. نمونه‌ی بارز آن در جهان معاصر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است. هرچند ایشان در عرصه‌ی نظامی مشغول بود؛ اما پشتوانه‌ی فکری مبتنی بر آموزه‌های دینی ایشان بود که باعث ایجاد تحولات عظیم در جهان اسلام شد. این تفکر و اعتقاد هنگامی که در گروه‌هایی؛ مانند حزب‌الله لبنان و حشدالشعبی عراق شکل می‌گیرد، نیز موجب تحرک و تحول می‌شود.

می‌توانیم ادعا کنیم جریان اصلاح‌طلب در ایران نه این که به خاطر سستی و کاهلی ناکارآمد باشد و کشور را به خاطر این تنبلی‌ها با مشکلاتی مواجه کرده باشد، بلکه تفکر و پشتوانه‌ی فکری این جریان است که قدرت تحول و کارآمدی ندارد و این قدرت را از آن‌ها گرفته است. به عنوان مثال، در قانونی که مجلس شورای اسلامی با عنوان «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» در سال ۱۳۹۹ به تصویب رساند، برخی از رسانه‌های منصوب به این جریان با نادرست خواندن تصویب این قانون در مجلس، آن را به طریحی برای تحت تاثیر قرار دادن طرفداران، تقلیل دادند و مجلس را توصیه به صبر بیشتر در برابر اقدامات غرب می‌کردند. واضح است که این نوع نگرش به اوضاع بین‌المللی هیچ‌گاه نخواهد توانست تحولی را در عرصه‌ی سیاسی به‌وجود آورد. سال‌ها آمریکا چه در دوران جمهوری خواهان و چه در دوران دموکرات‌ها و نیز کشورهای اروپایی با پیروی از سیاست‌های ایالات متحده با عمل نکردن به وعده‌های خود ذیل توافق برجام و تحمیل تحریم‌های فراوان بر جمهوری اسلامی و نیز زیر پا گذاشتن حقوق ملت ایران، کشور را متحمل ضررهای بسیاری کردند؛ با این وجود، این افراد هنوز امیدوارند که با صبر کردن در برابر آمریکا و تحمل هزینه‌های بیشتر بتوانند نظر آمریکا را به خود جلب کنند و به زعم ایشان نباید عکس‌العملی در برابر بی‌عملی آن‌ها انجام داد.

اما در مقابل مقام معظم رهبری (دام‌عزه) با پشتوانه‌ی فکری صحیح که برآمده‌ی از مکتب اسلام است، در حرکتی با فرستادن نامه‌هایی به روسیه و امضای توافقنامه با کشور

چین در مدت زمان کوتاه، چنان غرب و آمریکایی‌ها را مستاصل می‌سازند که نگرانی را در چهره‌ی آنان به وضوح می‌توان تماشا کرد. حتی برخی از کشورهای اروپایی در ارتباطات پنهانی برخلاف میل آمریکا پیام‌هایی مبنی بر امضای توافقنامه‌هایی با ایران را اعلام نمودند. این فکر و اندیشه است که می‌تواند تحول‌آفرین باشد که از جمله ملزومات اساسی دولت مقتدر و کارآمد در جهت محقق ساختن دولت اسلامی است.

از دیگر ضعف‌هایی که جریان اصلاحات در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی دچار آن بوده است «تناقض در گفتار و رفتار» ایشان است. چه بسیار شعارهایی را فریاد زدند و عمل نکردند؛ به عنوان نمونه احترام به منتقدان را در گفتارهای خود بسیار تکرار می‌کردند؛ اما در عمل مخالفان و منتقدان خود را تحمل نکردند. ادعای شایسته‌سالاری داشتند؛ اما چه در دولت دکتر روحانی و چه در دولت‌های قبل به وضوح رفتارهای جناحی و عزل و نصب‌های غیرمتخصصانه مشهود بوده است. بدون تردید با چنین رویکردهایی دولتی کارآمد و مقتدر شکل نخواهد گرفت و همان‌طور که متذکر شدیم یکی از شاخصه‌های اصلی دولت کارآمد «شایسته‌سالاری» است.

ملت ایران عملکرد ناکارآمد این جریان را به خوبی درک کرده‌اند، هرچند در برهه‌ای از زمان با شعارها و تبلیغات توانستند گروهی از مردم را به سوی خود بکشانند؛ اما به طور کلی، عموم مردم دیگر اصلاح‌طلبان را شایسته‌ی اداره کردن کشور نمی‌دانند. جریانی که برخلاف نام خود، بیشتر کشور را دچار التهاب و نابسامانی‌ها کرد. از سوی دیگر، مفاهیمی؛ همچون آزادی، مردم‌سالاری، قانون‌گرایی، مدارا، شایسته‌سالاری و... در تاریخ سیاسی ایران پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ به طور کلی تغییر یافت و جفایی بزرگ بر این‌گونه مفاهیم روا داشته شد. مفاهیمی که در اسلام ارزش والایی دارند و تفسیرهای نادرست از این عناوین باعث بروز مشکلات فراوانی در عرصه‌های گوناگون کشور شد و این جفا نیز به دلیل تولیت ناشایستگان بر آن بود.

بدین ترتیب؛ اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ هیچ توفیقی به‌دست نخواهند آورد و از طرفی نیز نمی‌خواهند دولتی مقتدر و کارآمد بر اساس آن چه تا به حال گفتیم تشکیل شود؛ زیرا در آن صورت، ایشان دیگر هیچ توجیهی برای عملکرد خود نخواهند داشت. البته ممکن است با حضور خود بخواهند عملکرد دولت یازدهم و دوازدهم را از خود میرا سازند؛ اما تاثیر مهمی در انتخابات نخواهند داشت.

منبع

پایگاه اینترنتی بصیرت